



در محضر پیامبر ﷺ و ائمه باطن

(۳)

بلند کردن صدا کنار قبر پیامبر ممنوع

در بحث قبلی گفتیم که طبق آیات اولیهٔ سورهٔ حجرات، بی ادبی در محضر پیامبر و بی احترامی و بلند کردن صدا نزد آن حضرت، از نظر قرآن، در زمان حیاتش مسلماً ممنوع بوده و مایهٔ نابودی اعمال نیک انسان می شود، و اینک در این جا مسأله را بررسی می کنیم که آیا این حکم پس از رحلت آن حضرت را هم شامل می شود یا نه؟

جمعی از مفسران و علما گفته اند: همان گونه که آیات مورد بحث در زمان حیات آن حضرت بلند کردن صدا و بی ادبی را منع می کنند، بعد از رحلت را هم شامل می شود.^۱

اما اگر منظور آنها ظاهر آیه باشد، که مخصوص زمان حیات رسول الله است چرا که می گوید: «صدای خود را بلندتر از صدای او نکنید». اما اگر منظور، فلسفهٔ حکم باشد، شامل پس از رحلت نیز می شود زیرا در این گونه موارد، اهل عرف الغای خصوصیت می کنند، لذا تعمیم دادن به پس از رحلت نیز بعید به نظر نمی رسد زیرا مسلم است که هدف در اینجا رعایت ادب و احترام نسبت به ساحت قدس نبوت پیامبر است. بنابراین هرگاه بلند کردن صدا در کنار قبر آن حضرت نوعی بی احترامی باشد، بدون شک جایز نیست مگر به صورت اذان نماز، تلاوت قرآن و... که اینگونه موارد در زمان حیات هم حرام نبوده است.^۲

۱. تفسیر نمونه، به نقل از روح المعانی، ج ۲۶، ص ۱۲۵.

۲. همان، ج ۲۲، ص ۱۴۶.

مرحوم علامه طباطبائی می فرماید:

«در آیه، ابتداء تعبیر به نبی شده و سپس با تعبیر رسول الله آورده شده، اشاره به ملاک حکم است یعنی احترام و تعظیم و تکریم، به خاطر این است که حضرت محمّد ﷺ پیامبر خداست پس احترام و تکریم به او، پائین آوردن صدا در خدمت آن حضرت، احترام و تکریم و تکبیر خداوند است»^۱.

بلند کردن صدا در محضر پیامبر اهانت به آن بزرگوار و اهانت به خدا و باعث حبط اعمال انسان می گردد. و احترام مقام نبوت باید محفوظ بوده و ادب رعایت شود. و چرا که ملاک حکم، همان مقام نبوت و رسالت است. پس چه در حال حیات و چه پس از رحلت باید مراعات شود.

از استدلال امام حسین ﷺ با آیه شریفه در مورد ممنوع بودن سر و صدا در کنار قبر آن حضرت استفاده می شود که پس از رحلت هم بی ادبی کردن همانند زمان حیات آن حضرت می باشد چنانکه بعد از شهادت امام حسن مجتبی ﷺ بنا به وصیت آن حضرت، مبنی بر دفن پیکر او نزد قبر مطهر جد بزرگوارش، هنگام ورود پیکر پاکش به حرم جدش، از طرف عایشه عده ای به منظور جلوگیری از دفن آن حضرت در حرم مطهر سر و صدای زیادی به راه انداختند، امام حسین ﷺ پس از قرائت آیه شریفه: «لا ترفعوا أصواتکم فوق صوت النبی...»، مردم را دعوت به آرامش و سکوت کرده فرمود: در محضر پیامبر نباید با صدای بلند حرف زد و داد و فریاد راه انداخت. سپس خطاب به عایشه فرمود:

«به جان خودم تو برای پدرت و رفیقش در نزدیک گوش پیامبر کلنگها زدید و با صدای بلند صیحه کشیدید با اینکه خداوند می فرماید: کسانی که صدای خود را نزد رسول خدا آهسته کنند، آنان هستند که خدا دلشان را به تقوی آزموده است»^۲. به جان خودم پدرت و فاروقش با نزدیکی خودشان به رسول خدا او را آزار دادند و خود آن دو نفر آنچه را خدا از

۱. المیزان، ج ۱۸، ص ۳۱۰، ذیل آیه.

۲. «انّ الذین یغضون أصواتهم عند رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم للتقوی» (حجرات: ۳).

حق و حرمت پیامبر واجب کرده بود، رعایت نکردند. خدا حرمت مؤمنان را که مرده‌اند، مانند مؤمنان زنده، مقرر فرموده است. به خدا ای عایشه اگر آنچه را بد داری از دفن برادرم امام حسن نزد پدرش رسول خدا، اگر وصیت برادرم نبود که خونی ریخته نشود، می‌دانستی که به رغم انف تو در آنجا دفن می‌شد»^۱.

پیشوایان دین، همیشه زنده‌اند

از دیدگاه ادیان الهی مخصوصاً اسلام، مرگ انسانها، پایان زندگی آنان، بخصوص انبیاء و اوصیاء و پیشوایان دین نیست، بلکه زندگی دنیوی به منزله راه عبوری است به زندگی جاودانی. قرآن مجید با اشاره به این واقعیت، به بقای روح پس از مرگ تصریح می‌نماید و می‌فرماید:

«ای پیامبر! هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند»^۲.

«و به آنها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما نمی‌فهمید!»^۳.

و از آنجا که روح همه انسانها از جمله روان پاک پیامبران پیشین، برای همیشه باقی است، خداوند به پیامبر اسلام ﷺ دستور می‌دهد تا از انبیای گذشته درباره توحید سؤال کند، آنجا که می‌فرماید: «از رسولانی که پیش از تو فرستادیم، بپرس: آیا غیر از خداوند رحمان معبودانی برای پرستش قرار دادیم؟»^۴.

قرآن در موارد گوناگون، در سوره‌های مختلف، از جمله سوره صافات، به روان پاک پیامبران بزرگ سلام و درود می‌فرستد و می‌فرماید: «سلام علی المرسلین»^۵؛

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۷، کتاب الحجّة، باب نصر بر حسین، ذیل حدیث ۳.
 ۲. «و لا تحسبنّ الذّین قُتلوا فی سبیل اللّهِ امواتاً بل احياء عند ربّهم یرزقون» آل عمران: ۱۶۹.
 ۳. «و لا تقولوا لمن یُقتل فی سبیل اللّهِ امواتٌ بل احياء و لكن لا تشعرون» (بقره: ۱۵۴).
 ۴. «و اسئل من ارسلنا من قبلك من رسلنا اجمعنا من دون الرحمان آلهة یُعبدون» (زخرف: ۴۵).
 ۵. صافات: ۱۸۱.

«سلام علی نوح..»^۱؛ «سلام علی ابراهیم»^۲؛ «سلام علی موسی و هارون»^۳.
از آیات یاد شده استفاده می شود که ارواح پیامبران به زندگی جاودانی خود ادامه
می دهند و به همین خاطر خداوند متعال بر آنان سلام می فرستد و مسلمانان نیز به پیروی
از خالق بی همتای خود در پایان هر نماز به پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ درود می فرستند
و می گویند: «السلام عليك ايها النبي ورحمة الله و بركاته».

همچنین از احادیث شیعه و سنی استفاده می شود کسانی که در راه خدا شهید
می شوند، زنده اند چنانکه پیامبر اسلام ﷺ در باره شهدای احد به مسلمانان دستور
دادند به زیارت آنان بروید و سلام کنید چرا که آنان می شنوند و جواب می دهند^۴. آنجا
که می فرماید: «من شهادت می دهد که اینها پیش خدا شهید و روز قیامت زنده اند، به
زیارت آنان بروید به خدائی که جانم در دست اوست هیچ کس تا قیامت به آنان سلام
نمی کند، مگر اینکه پاسخ سلامش را رد می کنند».

پس جایی که شهدا پاسخ سلام را بدهند، پیامبران و اوصیاء و اولیاء مسلماً
زنده اند و هرکس به آنان سلام کند و با آنان سخن گوید، می شنوند و پاسخ می دهند که ما
به رسم اختصار به چند نمونه از احادیث پیامبر در این باره اشاره می نماییم:

۱. «هیچ کس از شما بر من سلام نمی دهد مگر اینکه سلام او به من می رسد و من او را
پاسخ می دهم»^۵.

۲. «پیامبران خدا زنده اند و پروردگار خود را پرستش می کنند، بر من درود بفرستید،
زیرا هرکجا باشید، سلام شما به من می رسد»^۶.

۳. «هرکس پس از رحلت من بر من سلام بفرستد، ده برابر به وی پاداش داده می شود و
فرشتگان نیز ده برابر بر او درود خواهند فرستاد، و هرکس در کنار تربتم بر من سلام دهد، من

۱. همان: ۷۹. ۲. همان: ۱۰۹.

۳. همان: ۱۲۰.

۴. أشهد ان هؤلاء شهداء عند الله يوم القيامة فأتوهم و زورهم و الذی نفسی بیده لا یسلم احد الی
یوم القيامة الا ردوا علیه. (شکی، طبقات الشافعیة، ج ۳، ص ۴۰۶).

۵. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۱۸. ۶. همان.

از آن آنگاه می‌گردم و او را پاسخ می‌دهم»^۱.

«هرکس کنار قبر من بر من سلام و درود بفرستد، می‌شنوم و هرکس از راه دور بر من سلام کند، سلام او به من می‌رسد و من پاسخ می‌دهم»^۲.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عباس نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و عرض کرد: مردم جمع شده‌اند تا بر پیامبر نماز خوانده و آن حضرت را دفن کنند. علی علیه السلام فرمود: ای مردم پیامبر چه در حال حیات و چه پس از رحلت، پیشوا و رهبر است و خودش فرموده است من در همان مکان دفن خواهم شد که در آنجا جان داده‌ام»^۳.

لزوم رعایت ادب در محضر امامان معصوم علیهم السلام

آیا احترام ائمه چه در زمان حیات و چه پس از شهادت آنان مانند پیامبر واجب است؟ و همچنین بی‌ادبی نسبت به آنان مایه لعن خدا و باعث نابودی اعمال انسان می‌شود؟

از آنجا که رعایت ادب در برابر کوچک و بزرگ بخش مهمی از زندگی بشر را تشکیل می‌دهد، اسلام نیز روی این مسأله حساسیت زیادی نشان داده و رعایت ادب در برابر همه، مخصوصاً علما، دانشمندان و بزرگان را لازم دانسته و این امر را در برابر پیشوایان معصوم علیهم السلام واجب کرده است چرا که اگر رعایت ادب در برابر پیامبر واجب و بی‌احترامی و آزار و اذیت آن حضرت طبق فرمان خداوند ممنوع است، احترام و رعایت ادب در برابر اهل بیت و امامان معصوم نیز واجب و عدم رعایت آن ممنوع می‌باشد.

چنانکه در قسمت قبلی مقاله گفته شد، این دستورات در این آیه‌ها به خاطر نبوت و رسالت پیامبر داده شده و از روایات نیز استفاده می‌شود که پیامبر، پیشوا و رهبر

۱. همان.

۲. من صلی علی عند قبري سمعته، و من صلی علی نائياً أبلغته» (سبکی، طبقات الشافعیة، ج ۳، ص ۴۰۸).

۳. «...ایها الناس ان رسول الله امام حياً و میتاً...» (همان، ص ۴۶۳، ح ۳۷).

مردم است چه در حال حیات و چه پس از رحلت^۱. و ائمه نیز که هم معصوم و هم از مقام امامت و ولایت برخوردارند، لازم‌الاطاعه و واجب‌الاحترام می‌باشند. به عبارت دیگر: اگر آنجا مقام نبوت هست، اینجا هم مقام امامت هست و اگر آنجا ممنوع است، اینجا هم باید ممنوع باشد چرا که بی‌احترامی به اهل بیت همان بی‌ادبی و بی‌احترامی به پیامبر است.

حتی بعضی از مفسران، آیات مورد بحث را به مراحل پائین‌تر توسعه داده و فرموده‌اند: علما و دانشمندان و رهبران فکری را نیز شامل می‌شود و مسلمانان موظفند در برابر آنها رعایت ادب را کرده و صدایشان را بلند نکنند و باعث رنجش خاطر آنان نشوند، در برابر ائمه هدی^{علیهم‌السلام} که هم معصوم و هم مقام امامت و ولایت را دارند، به‌طور مسلم شامل می‌شود.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ هنگام بازگشت از جنگ خیبر زن یهودی بازوی گوسفندی را بریان کرده و آلوده به سم کرده آورد که علی^{علیه‌السلام} و برای بن معرور خدمت آن حضرت بودند نان آوردند برای دست دراز کرد و لقمه‌ای خورد علی^{علیه‌السلام} فرمود: پیش از رسول خدا دست به سوی غذا دراز نکن. برای گفت: پیامبر را بخیل می‌پنداری؟ علی^{علیه‌السلام} فرمود: نه احترام می‌گذارم. سپس برای در اثر خوردن از آن غذای مسموم از دنیا رفت. اما وقتی پیامبر خواست نماز بخواند، فرمود خدا به من دستوار داده است تا آمدن علی^{علیه‌السلام} منتظر بمانید و از برای به خاطر سخنی که در حضور رسول خدا به وی گفته، بگذرد تا مرگ برای بر اثر این زهر کفاره سخنش گردد.

عرض کردند یا رسول الله! سخن برای شوخی بود. پیغمبر فرمود: «اگر جدی بود، خداوند همه کارهای نیک او را حبط می‌کرد، اگرچه از زمین تا آسمان زر و سیم در راه خدا داده بود، ولی رسول خدا می‌خواهد شما بدانید که علی بر برای کینه نداشت و برای وی طلب آمرزش می‌کند تا مقام و منزلت برای در بهشت افزوده گردد....» سپس فرمود: «کاری کنید که علی برای شما دعا کند. کاری نکنید که او به شما

۱. اصول کافی، همان.

نفرین کند، زیرا کسی که مورد نفرین علی قرار گیرد، خدای او را هلاک خواهد کرد، هرچند حسناتی به عدد آفریده‌های خدا داشته باشد و اگر علی برای کسی دعا کند، خدای وی را خوشبخت خواهد کرد، هرچند گناهانش به عدد آفریده‌های خدا باشد»^۱.

احترام خانه‌های ائمه علیهم‌السلام

از احادیث و روایات استفاده می‌شود که حتی به خانه پیامبران و امامان هم نباید با حالت جنابت داخل شد از جمله روایتی که ابوبصیر نقل کرده است، او می‌گوید:

«وقتی وارد مدینه شدم درحالی که کنیزی هم با من بود و با او همبستر شدم، سپس به قصد حمام حرکت کردم، در راه، یاران شیعه خود را ملاقات کردم که به طرف منزل امام صادق علیه‌السلام می‌رفتند، من ترسیدم که آنها در شرفیابی به خدمت آن حضرت بر من پیشی بگیرند، و من نتوانم خدمت حضرت برسم، لذا [بدون غسل] با آنها همراه شدم. هنگامی که داخل خانه شدم تا امام مرادید و نگاهی به من کرد و فرمود: ای ابا بصیر آیا نمی‌دانی که به خانه‌های انبیا و اولاد انبیا شخص جنب نباید داخل شود؟ من خجالت کشیدم و گفتم: یابن رسول الله من با شیعه‌ها ملاقات کردم و ترسیدم بعداً نتوانم همراه آنان شرفیاب شوم و چنین موقعیتی برایم پیش نیاید»^۲.

لذا به اتفاق علماء و مراجع شیعه حرم ائمه معصومین علیهم‌السلام در حکم مسجد می‌باشد که بدون غسل نباید در آنها داخل شد.

پس بر اساس آیات اولین سوره حجرات، آیه ۵۷ سوره احزاب، ۱۶۹ آل عمران،

۱. بحارالأنوار، ج ۱۷، ص ۳۱۹ - ۳۲۱، (با تلخیص).

۲. روی ابوبصیر قال: دخلت المدينة و كانت معي جويرية لي فأصبت منها ثم خرجت إلى الحمام فلقبت أصحابنا الشيعة و هم متوجهون إلى جعفر بن محمد فخفت أن يسبقوني و يفوتني الدخول عليه فمشيت معهم حتى دخلنا الدار معهم فلما مثلث بين يدي أبي عبد الله نظر إلي ثم قال: يا ابا بصير أما علمت أن بيوت الأنبياء و أولاد الأنبياء لا يدخلها الجنب؟ فاستحييت و قلت له: يابن رسول الله إني لقيت أصحابنا فخشيت أن يفوتني الدخول معهم و لن أعود إلى مثلها». (بحارالأنوار، ج ۲۷، ص ۲۵۵، باب آداب العشرة مع الإمام).

۱۵۴ بقره، ۴۵ زخرف، سایر آیات مذکور و سخن امیر مؤمنان که فرمود: پیامبر چه در حال حیات و چه پس از رحلت، و حدیث ابوبصیر؛ (که در سطور قبل ذکر گردید)، نه تنها در حال حیات پیامبر و ائمه هدی علیهم السلام، احترام آنان واجب و بی ادبی ممنوع و حرام است، بلکه پس از شهادت آنان نیز رعایت ادب واجب است و در کنار مرقد مطهر آنها هم نباید صدا را بلند کرد و جلوتر از قبر شریف آنان نماز گزارد و به هیچ وجه نباید بی احترامی کرد زیرا بی احترامی به آنان اگر از روی عمد یا بی اهمیتی و با قصد اهانت باشد، موجب کفر است و بدون آن ایذاء و گناه.

در صورت اول باعث نابودی و حبط اعمال می شود و در صورت دوم هم مانعی ندارد که چنین عمل زشتی باعث نابودی بسیاری از اعمال انسان شود.^۱

البته گاهی در کنار مرقد مطهر ائمه علیهم السلام از جمله در کنار ثامن الحجج، امام هشتم حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام که مواردی از قبیل سر و صدای غیر عادی و هل دادن دیگران را مشاهده می شود، ناشی از جهل یا عدم توجه به حکم می باشد و گرنه کسانی که مشرف می شوند دلشان مالا مال از محبت امام علیه السلام است.

اما در عین حال بر شیعیان است که هنگام تشرّف مراعات ادب را بنمایند چرا که اعتقاد ما این است که امام ما را مشاهده می کند و صدای ما را می شنود و به ما جواب می دهد چنانکه در زیارتنامه آن حضرت می خوانیم: (اشهد أنّك تسمع كلامي و تردّ سلامي). پس درحالی که هر کدام از ماها پیش بزرگتر از خود، ادب را رعایت می کنیم و سعی می کنیم بی احترامی نسبت به او نکنیم. در محضر ائمه به طریق اولی باید ادب را رعایت کرد.

به قول مرحوم آیت الله حاج سید رضا صدر: «عجب اینجاست که همین مسلمانان، اینگونه احترامات را در ملاقات با مقامات عالیة دنیوی رعایت می کنند، مؤدّب می شوند و آهسته سخن می گویند، ولی نسبت به مقامات عالیة خدایی رعایت نمی کنند»^۲.

۱. تفسیر نمونه، ذیل آیه ۳، (لا ترفعوا اصواتکم...).

۲. تفسیر سوره حجرات، ص ۱۸۹.

کسانی که این مهم را رعایت نکنند و باعث آزرده خاطر شدن آنان شوند، مشمول لعن خداوند و عذاب دردناک در قیامت خواهند شد. چرا که آزرده کردن خاطر شریف پیامبر، نوعی بی ادبی و بی احترامی نسبت به آن حضرت است چنانکه خداوند متعال می فرماید: «أَنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعْنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَاباً مُهِيناً»^۱. «آنها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آنها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است».

در معنی ایذاء و اذیت، مفسران احتمالاتی داده اند از جمله اینکه در مورد خداوند غیر از کفر والحاد معنی دیگری نمی تواند داشته باشد. و یا اینکه منظور همان اذیت کردن پیامبر و مؤمنان است و آوردن نام خدا به خاطر تأکید و اهمیت مطلب است. ولی ایذاء پیامبر مفهوم گسترده ای دارد که هر کاری که مایه رنجش خاطر آن حضرت گردد، ایذاء و اذیت شمرده می شود. و این خود بی ادبی است. مخصوصاً از روایاتی که در ذیل آیه آمده، خاندان آن حضرت نیز مشمول همین آیه می باشد چنانکه مسلم و بخاری در صحیحین خود آورده اند: «أَنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةَ مَنِيَّ يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا» و یا «فَاطِمَةُ بَعْضَةٌ مَنِيَّ فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»^۲. «فاطمه پاره تن من است، رنجش اورنجش من است. فاطمه پاره تن من است پس هرکس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است».

در مورد علی عليه السلام هم شبیه همین معنا را می خوانیم: پیامبر صلى الله عليه وآله در حالی که دست در محاسن شریفش داشت، به علی عليه السلام فرمود:

من أذى شعرة منك فقد أذاني و من أذاني فقد أذى الله و من أذى الله فعليه لعنة الله^۳. «هرکس به اندازه سر موئی تو را اذیت کند، مرا اذیت کرده است و هرکس مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده و هرکس خدا را اذیت کند، لعنت خدا شامل حال اوست».

۱. احزاب: ۵۷.

۲. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۹۳ فضائل فاطمه - صحیح بخاری، جزء ۵، ص ۲۶.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه ۵۷ سوره احزاب.